هرنوع ابراز خشونت در محیط مدرسه، اثرات جبران‌ناپذیری دارد

ظلمی به‌نام تنبیه بدنی

گروه اجتماعی- حسن طباطبایی

گاه ویدئوهایی از تنبیه بدنی دانش‌آموزان توسط معلم در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. معلمی که یک دانش‌آموز را در «مدرسه غیرانتفاعی البرز درخور موج بوشهر» مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد و یا دانش‌آموزدیگری در بی‌لند گناباد به‌دلیل خشونت فیزیکی معلم دچار شکستگی پا می‌شود. کمی پیش از آن هم شدت خشونت یک معلم باعث آسیب به کبد و طحال یک دانش‌آموز کوه‌دشتی می‌شود. معلمی نیز در روستای گچی شیرازیکی از دانش‌آموزان را کتک می‌زند... سال گذشته ده‌ها خبر ازاین دست منتشر شده‌اند، بااین حال چنین اتفاقاتی در مدارس پرتکرار نیست اما پرخاش و خشونت در مدارس که ابعاد مختلفی را برای آن می‌توان برشمرد یکی از جنبه‌های بی‌توجهی به حقوق کودکان و نوجوانان است و صدالبته که این خشونت فقط با تنبیه بدنی نمود پیدا نمی‌کند و برخی رفتارها و گفتارها که منجر به تحقیر و نادیده گرفتن دانش‌آموزان می‌شود اثرات نامطلوبی خواهد داشت و این موارد انتقادهایی را متوجه نقص‌های موجود در سیستم آموزشی کشور کرده است.

باوجودآشنایی عموم مردم با حق و حقوق کودکان و نوجوانان که بیش‌ترمحصول پیشرفت وسایل ارتباط جمعی و حضور افراد در شبکه‌های اجتماعی است و تأکید مسئولان آموزش و پرورش بر ممنوعیت تنبیه‌بدنی؛ چراهمچنان برخی معلمان به دانش‌آموزان برچسب می‌زنند و با یادآوری ناتوانی در یادگیری موجب تحقیر آنان شده و سلامت و بهداشت روانی‌شان را عامدانه و غیرعامدانه نادیده می‌گیرند؟

پیش از یافتن پاسخی برای این پرسش باید اشاره کرد که آستانه آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان بسیار پایین‌تر از بزرگسالان است و در قیاس با بزرگسالان، بلوغ عاطفی و توانایی جسمی کم‌تری برای هرگونه واکنش دفاعی دارند و این باعث می‌شود صدمات جسمی، ذهنی و عاطفی؛ آسیب بیشتری به آن‌ها وارد کند. ازاین رو هرگونه خشونت در محیط مدرسه، اثرات جبران‌ناپذیری دارد.

کاهش آستانه تحمل و تاب‌آوری جامعه

طی سالیان اخیر بارها رسانه‌ها، کارشناسان مسائل آموزشی و به‌ویژه روانشناسان، از تأثیر مخرب تنبیه و خشونت سخن گفته‌اند، اما آن طور که بهروز موثقی در قامت روانشناس مطرح می‌کند، «ریشه بسیاری از پرخاشگری‌ها و خشونت‌های کلامی در بطن جامعه و در نهاد خانواده است و طبیعتا سیستم آموزشی هم مستقیما با جامعه در ارتباط است و نمی‌توان معلمان و دانش‌آموزان را از این چرخه جدا کرد و از معلم‌ها خواست تا با اعصاب و روانی آرام و آسوده به کار تعلیم و تربیت دانش‌آموزانشان مشغول شوند. آستانه تحمل و تاب‌آوری مردم تا حد قابل توجهی به‌دلیل مشکلات اقتصادی و ناتوانی در گفت‌وگو با یکدیگر برای حل مسائل کاهش یافته و در بسیاری موارد تنش‌های نه‌چندان جدی نیز می‌تواند به منازعات جدی منتهی شود.»

این روانشناس، عدم رعایت شأن و منزلت معلمی و حقوق و مزایای پایین را از دیگری موارد می‌داند که در توجیه رفتار غلط برخی معلمان مطرح می‌شود، و در این زمینه می‌گوید: «معلمان در وضعیت رفاهی مناسبی نیستند و بسیاری از آن‌ها برای گذران زندگی باید علاوه بر معلمی به حرفه‌یا حتی حرفه‌های دیگری هم مشغول باشند. در چنین شرایطی فرصت کافی برای خودسازی و کسب آرامش ندارند و همین مسئله باعث می‌شود که گاهی دست به رفتارهای غیرقابل توجیه بزنند.»

موثقی در توضیح سویه دیگر این ماجرا به تضعیف اخلاق اشاره کرده و می‌گوید: «گاه دانش‌آموزان هم دربرخورد با معلمانشان رفتارهایی نامتعارف دارند که نشان‌دهنده تضعیف اخلاق است و از آنجاکه در فضای حاکم بر جامعه، آستانه تحمل افراد پایین آمده و همچنین از آنجاکه حتی معلمان هم برای برخورد اصولی با دانش‌آموزان، آموزش‌های کافی نمی‌بینند، تنبیه‌بدنی و یا انواع دیگر خشونت به‌عنوان راه‌حل انتخاب می‌شود. این در حالی است که مجازات‌های پیش‌بینی‌شده برای تنبیه دانش‌آموزان خاطی در مدارس شامل تذکر، احضار والدین، اخطار شفاهی در حضور دانش‌آموزان، تغییر کلاس، اخطار کتبی، اخراج موقت و انتقال به مدرسه دیگر است. خود این مجازات‌ها گرچه پیشرفته‌تر از تنبیه‌بدنی به نظر می‌رسند، اما دست‌کم در برخی از آن‌ها به آسیب روحی احتمالی که متوجه دانش‌آموز است توجه چندانی نشده است.»

درگذشته بیشترین تمرکز معلمان در مدارس برخشونت فیزیکی و تنبیه‌بدنی معطوف بود، شاید یکی از اصلی‌ترین دلایلی که هنوز در نظام آموزشی، دانش‌آموزان با این موارد مواجه‌اند، همین ریشه قدیمی باشد که حتی در ادبیات کلاسیک نیز بازتاب داشته است. فارغ از ریشه‌های تنبیه در آموزش سنتی، از زمان ورود نظام آموزشی مدرن به ایران نزدیک به یک صد سال می‌گذرد و در این نظام مدرن، چند دهه‌ای است که چنین مواردی، به کلی منع شده است. علی دهقانی، کارشناس آموزش در این باره بیان می‌کند: «تنبیه بدنی» و خشونت کلامی در مدارس نباید به‌عنوان «تنبیه رسمی» جایی داشته باشد و معلمینی که با دانش‌آموزان خود این‌گونه رفتار می‌کنند، در نخستین گام، مقررات حرفه‌ای را زیرپا می‌گذارند. معلمان باید روش درست زندگی کردن را به کودکان آموزش بدهند، نه اینکه رفتارهای ناصحیح و خشونت را به آن‌ها انتقال دهند. بی‌تردید کودکانی که در مدرسه خشونت را از معلم می‌آموزند، همین آموزه را با خود به جامعه می‌آورند.»

این کارشناس در ادامه بیان می‌کند: «مطابق آیین‌نامه انضباطی نظام آموزش و پرورش، تنبیه‌بدنی دانش‌آموزان در مدارس ممنوع است. البته ما نمی‌توانیم صرفا بخشنامه و آیین‌نامه صادر کنیم و بگوییم از امروز به‌بعد هیچ نوعی از خشونت در مدارس اعمال نشود آن هم بدون اینکه به معلم آموزش داده باشیم که بیان برخی کلمات و زدن برچسب ناتوانی به کودک هم خشونت محسوب می‌شود. در شبکه ارتباطی مدارس، معلمان با یکدیگر و مدیر با معلمان و آن‌ها با دانش‌آموزان در ارتباط هستند و اگر آگاهی لازم وجود نداشته باشد، ممکن است رفتارها و گفتارهای نادرستی از سوی هر یک از این افراد سر بزند که آسیب‌زا باشد. بنابراین ما باید مدیریت رفتار و گفتار در مدارس را داشته باشیم و در این راستا، آموزش معلمان و دانش‌آموزان و حتی والدین، بسیار حائز اهمیت است.»

خشونت کلامی به‌اندازه خشونت فیزیکی آسیب‌زاست

عمدتاً در نظام آموزشی ما به خشونت کلامی اهمیتی داده نشده و چندان جدی تلقی نمی‌شود. دهقانی با اشاره به این موضوع مطرح می‌کند: «خشم یک هیجان کاملا طبیعی است که در تمام انسان‌ها وجود دارد و اصولا نمی‌توانیم هیچ فردی را پیدا کنیم که اظهار کند تاکنون خشمگین نشده است. ما ابتدا باید خشم را به‌عنوان یک احساس و یک هیجان بپذیریم، ولی اگر این خشم تبدیل به پرخاشگری و خشونت شد و آسیب‌زا بود، باید به آن توجه‌روان‌شناختی کرد. ما باید مصادیق خشونت را بشناسیم. سالیان درازی مانه‌تنها مصادیق خشونت را نمی‌شناختیم، بلکه خشونت را فقط کتک‌کاری و درگیری فیزیکی می‌دانستیم. اما اکنون خشونت بُعدوسیع‌تری پیدا کرده و ناسزا، دشنام، رفتارهای قلدرمابانه و داد و فریاد از مصادیق همان خشونت کلامی است. این نیاز به شناسایی و آگاهی داشتن از انواع خشونت دارد. باید آثار مخرب را در انواع خشونت‌ها بدانیم و با دیدگاه جدی‌تری به این مسئله نگاه کنیم که این خشونت‌های کلامی نیز به همان اندازه آسیب‌زاست. و چه‌بسا به دلیل نادیده گرفته شدن، خشونت‌های کلامی می‌تواند تأثیرات منفی طولانی‌تری هم داشته باشند. به این ترتیب باید آموزش‌هایی (هرچند کوچک) را برای والدین و مربیان داشته باشیم از این بابت که مشخصا به آن‌ها گوشزد کنیم که خشونت به چه معناست و هم چنین کودک‌آزاری و انواع آن را با ذکر مثال‌های عینی معرفی کنیم و از پیامدهای منفی آن برسر نوشت کودک آگاهی رسانی کنیم که در پیشگیری از اعمال خشونت بسیار تأثیرگذار خواهد بود. این اطلاع‌رسانی برای مدارس، مراکز آموزشی و تربیتی و اقشار مختلف جامعه می‌تواند تأثیرگذار باشد و در نهایت باید گفت ما تنها می‌توانیم با ارتقاء دانش و آگاهی‌مان شرایط رفتاری بهتری در عرصه تربیت و فرزندپروری مهیا سازیم.»

این کارشناس آموزش تأکید می‌کند: «باید معلمان را از آسیب‌ها و آثار مخربی که می‌تواند تمام ابعاد شخصیتی کودکان را درگیر کند، آگاه کنیم. در اینجا نقش روانشناسان برای آگاهی‌دهی به والدین و معلمان می‌تواند مثبت باشد. علی‌الخصوص در این مورد که کودکان وقتی تحت خشونت قرار می‌گیرند، چون پروسه رشد و تکامل آن‌ها دچار اختلال می‌شود، اختلالاتی در یادگیری و احساسات آن‌ها نیز به وجود می‌آید. علاوه بر این دچار مشکلات جسمانی، رفتاری و اجتماعی هم می‌شوند. از سوی دیگر، کودکان و نوجوانان نحوه رفتار معلم را فراگرفته و مجوز استفاده آن‌ها را به خود می‌دهند. مطالعاتی در رابطه با کودکان نشان داده که آن‌ها به طور مستقیم زمانی که مشاهده می‌کنند، الگوگیری کرده و آن را به ذخیره الگوهای رفتاری خویش می‌افزایند. این پرسش که مشاهده‌های روزانه چه تأثیراتی برای دانش‌آموزان دارد، بحث بسیار تازه‌ولی ناخوشایندی را بازمی‌کند، و آن اینکه مشاهده این گونه مسائل ما را وارد پدیده حساسیت‌زدایی می‌کند. اینکه خشونت حساسیت خودش را از دست بدهد و رفتارهای این چنینی طبیعی و قابل قبول شود، بسیار می‌تواند مخرب‌تر و آسیب‌زاتر باشد؛ زیرا تأثیرات آن بیشتر است. پدیده بعدی اعتمادزدایی است. اینکه کودکان برای داشتن احساس امنیت نیاز به حمایت دارند تا پایه‌های اعتمادسازی برای ایجاد ارتباطات شکل گیرد و اگر این فرآیند به دلایلی اثربخش نباشد، کودکان دچار مشکلاتی از قبیل پرخاشگری می‌شوند.»

این کارشناس آموزشی تصریح می‌کند: «در حال حاضر تنبیه و مجازات بدنی به‌عنوان یکی از اشکال خشونت رایج در مدارس در همه نقاط ایران به‌صورت همسان وجود ندارد. مناطقی و مدارسی هستند که در آن‌ها مجازات بدنی هنوز هم گاه اعمال می‌شود و در جاهایی هم این پدیده بسیار نادر است. به‌صورت کلی شاید بتوان گفت در مناطق توسعه‌نیافته و محلات تهیدست شهری مواردی از این روش مجازات مشاهده می‌شود بدون آنکه فراگیر و دائمی باشد و شامل همه دست‌اندرکاران آموزشی شود. در مناطق توسعه‌نیافته یا محلات تهیدستان مادران و پدران کودکان، نظارت کم‌تری بر رفتار کارکنان آموزش و پرورش دارند و ارتباط آن‌ها با مدرسه ضعیف است و همین سبب می‌شود که اعتراض به خشونت علیه دانش‌آموزان از دامنه کم‌تری برخوردار باشد. در نقاطی که طبقات متوسط و مرفه ساکن هستند اما مسئله تنبیه بدنی کمتر رواج دارد.»

نحوه گزینش معلمان اشکال دارد

کیوان اسفندیار، معلم دوره دوم مقطع متوسطه، موضوع رفتار نادرست برخی معلمان با دانش‌آموزان را ناشی از ناآگاهی آنان دانسته و تأکید می‌کند: «بعضا نحوه گزینش معلمان نیز اشکال دارد. گزینش پیش از ورود به سیستم حیاتی آموزش و پرورش بسیار مهم است، اما معمولا با حساسیت بالا این سنجش و ارزیابی انجام نمی‌پذیرد، درحالی که فرد باید صلاحیت کارکردن با دانش‌آموزان را داشته باشد و از جنبه سلامت روان آزموده شود. طبیعتا هرشخصی به‌صرف داشتن مدرک تحصیلی، توانایی تدریس و کنترل کلاس را ندارد.»

این معلم بیان می‌کند: «آموزگاران نقش بزرگی در آینده دانش‌آموزان دارند و هیچ آرامشی در زندگی خود ندارند. اغلب معلمان دو یا سه شغله هستند. معلمانی که باید ساعات تدریس‌شان محدود باشد، تا انرژی و تحمل فکری لازم را داشته باشند با انواع شغل‌ها و یا ساعت تدریس بسیار بالا، سعی در برآورده کردن نیازهای اولیه زندگی خود دارند و در مواردی کنترل خود را از دست داده و خطایی مرتکب می‌شوند که نه در شأن خودشان هست و نه در شأن دانش‌آموزان و کلاس درس.»

اسفندیار، تراکم بالای کلاسی را در تشدید تنش میان معلم و دانش‌آموز مؤثر خوانده و می‌گوید: «جمعیت بسیار زیاد در هر کلاس و ادغام کلاس‌ها برای کاهش هزینه اقتصادی خسارت‌بار است. برای مثال دو کلاس ۱۸ نفره در اکثر مناطق پرجمعیت به یک کلاس ۳۶ نفره تبدیل می‌شود. بدون توجه به این‌که کیفیت تدریس کاهش می‌یابد و کنترل کلاس دشوار خواهد بود. طبیعتا در این شرایط معلم در طول سال تحصیلی متحمل فشار عصبی شده و ممکن است کنترل خود را از دست بدهد و به دانش‌آموز پرخاش کند. حتی والدین نیز ممکن است گاهی خشمگین شده و با فرزندشان رفتار تندی داشته باشند. حالا تصور کنید معلم چگونه می‌تواند ۳۶ دانش‌آموز را در یک کلاس کنترل کرده و خشمگین هم نشود. از طرفی برخی دانش‌آموزان به تنبیه بدنی از سوی خانواده عادت دارند و به‌سختی می‌توان در یک کلاس درس شلوغ این‌ها را کنترل کرد. اگرچه این مسئله، تنبیه بدنی در مدرسه را ابدا توجیه نمی‌کند؛ اما باید بدانیم که معلم هم یک انسان است. قدرت و توانایی محدودی دارد. این حجم از مشکلات باعث می‌شود، کنترل خود را از دست بدهد.»

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۷۰۰۲۰۱۶۲۷۶ مورخه ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۷۰۰۲۰۰۳۴۵۳ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ابهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اکبر حسین خانی فرزند اشرف به ش.ش ۶۰ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۶۳۴ مترمربع پلاک ۱۹۵۰ فرعی از ۱۲۲ اصلی واقع در ابهربخش سه زنجان (ابهر کمربندی کنار باربری داوودی) خریداری از مالک رسمی (خود متقاضی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود که اشخاص نسبت به این سند مالکیت متقاضی اعتراضی دارند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۲/۳
سعید بهرامی - رئیس ثبت اسناد و املاک ابهر

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۷۰۰۲۰۱۴۹۱۵ مورخه ۱۴۰۲/۱۲/۶ به کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۷۰۰۲۰۰۱۶۸ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ابهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجید ذوالقدر فرزند منوچهر به ش.ش ۱۸۳۳ صادره ابهر در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۴۶۲/۲۲ مترمربع پلاک ۱۱۸ اصلی واقع در ابهربخش سه زنجان (ابهر روستای قمچ آباد موتور آب ورودی قمچ آباد ۱۰۰ متره به سمت تاکستان دست راست باغ مجید ذوالقدر) خریداری از مالک رسمی (کلیه مالکین مشاعی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی دارند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۲/۳
سعید بهرامی
رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۷۰۰۲۰۱۶۲۷۶ مورخه ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۷۰۰۲۰۰۳۴۵۳ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ابهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اکبر حسین خانی فرزند اشرف به ش.ش ۶۰ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۶۳۴ مترمربع پلاک ۱۹۵۰ فرعی از ۱۲۲ اصلی واقع در ابهربخش سه زنجان (ابهر کمربندی کنار باربری داوودی) خریداری از مالک رسمی (خود متقاضی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی دارند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۲/۳
سعید بهرامی - رئیس ثبت اسناد و املاک ابهر